

# امام خمینی (ره) و مسئولیت اجتماعی مطبوعات

«قسمت اول»

مجتبی عطارزاده\*

## مقدمه

آموزشهای همگانی ناشی می‌گردید و اخیراً از ناآشنایی و یا عدم تقید اصحاب مطبوعات به انتظار جامعه از آنها ناشی می‌گردد. ناگفته پیداست در مقطع کنونی که بر شمار فرهیختگان و دانش‌اندوختگان جوان کشور ما به شدت افزوده شده، تا چه اندازه نقص در کارکرد مطلوب مطبوعات در جهت اطلاع‌رسانی به مردم می‌تواند به منافع ملی و مصالح عمومی - که ریشه در ارزشهای جامعه دارد - آسیب وارد سازد. از این رو، امام راحل (ره) با در نظر گرفتن دامنه و شدت میزان آسیب‌زایی انحراف مطبوعات از این مسیر صحیح، اصلاح مطبوعات را مقدمه اصلاح و بهبود امور مملکتی تلقی می‌نماید: «شما [خطاب به اصحاب مطبوعات] خودتان را درست کنید، کشورتان درست می‌شود و آسیبی نخواهد دید.»<sup>۱</sup> و آنگاه ضمن تأکید مجدد بر اهمیت کارکرد صحیح مطبوعات، پیامد شوم غفلت و سهل‌انگاری در این زمینه را خسارت جبران‌ناپذیر بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خود می‌دانند:

«روزنامه‌های مملکت و مطبوعات مملکت توجه بکنند به این معنا که باید همه‌شان در این راه باشند که بخواهند کشور خودشان را از همه چیزهایی که

مقوله ارتباطات نقش بسزایی در روند تکوین ملتها و تقویت پایه‌ها و ارکان ملی کشورها دارد و مظاهر آن یعنی رسانه‌های گروهی می‌تواند به شکل ابزاری قدرتمند برای برقراری وحدت و انسجام میان بخشهای مختلف جوامعی که به لحاظ مذهبی، قومی، زبانی و گرایشهای محلی و منطقه‌ای گروه‌بندی شده‌اند و در هم تنیدگی ملی لازم را ندارند، عمل کند و شکافهای اجتماعی را کاهش دهد.

بدیهی است چنین کارکرد شگرفی که به حق منافع و مصالح ملی را پاس می‌نهد و زمینه اعتلا و شکوفایی را در جوامع انسانی نوید می‌دهد، مشروط به تحقق پیش‌زمینه‌هایی است که یکی از مهمترین آنها آگاهی رسانه‌ها و مخاطبان آنها به چنین توانمندی و نیز حدود آن است. به طور قطع پیشرفت آموزش و پرورش و درصد بالای باسوادی و فرهیختگی جمع مخاطبان از یک سو و تقید و تعهد اصحاب رسانه‌ها و بویژه مطبوعات به انجام رسالت خویش که همانا اقناع و بارورسازی افکار عمومی از رهگذر تأمین نیاز فکری و خبری آنهاست از سوی دیگر، از مهمترین نموده‌ها و مظاهر آگاهی مذکور به شمار می‌آید.

مطالعه پیشینه تاریخی فعالیت مطبوعات در ایران، این نکته را آشکار می‌سازد که ناکارآمدی در این عرصه، پیشتر از پایین بودن سطح سواد و

\* عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ۴/۵۹/۶، جلد ۱۳، ص ۴۳.



### الگوهای حاکم بر عرصه مطبوعات ایران

نیاز به اطلاعات، پیوسته یکی از نیازهای اساسی زندگی اجتماعی به شمار می‌رفته است. در میان تمدنهایی که چاپ را نمی‌شناخته‌اند می‌توان وسایلی یافت که پاسخگوی چنین نیازی باشند: «لزوم ضبط رویدادهای بزرگ با توصیف دنیاهای ناشناخته از وقایع نویسی پایان قرون وسطی و از هرودت گرفته تا مارکوپولو، همواره موجب خلق آثاری شده است که با تغییرات جبری به گزارشهای امروز بشر پیوند می‌خورد. در مجموع، کشورهای کوچک و بزرگ باستان یا قرون وسطی برای رفع نیازهای اداری خویش، شبکه‌های جمع‌آوری و پخش اطلاعات ایجاد کرده بودند و پیام‌رسانان می‌توانستند به‌طور شفاهی یا کتبی اخبار را بلافاصله از راههای مختلف در معرض آگاهی مردم قرار دهند.»<sup>۵</sup>

۲- همانجا

۳- صحیفه نور، ۶۰/۴/۴، جلد ۱۵، ص ۳۷.

۴- صحیفه نور، ۵۸/۱۱/۳، جلد ۴، ص ۲۶۰.

۵- پیر آلبر، فرناندوترو، تاریخ مطبوعات جهان، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، انتشارات پاسارگاد، ۱۳۶۳، ص ۱۰-۹.

غیرانسانی است تصفیه بکنند... اگر این‌طور بشود و امید است که باشد، مطمئن باشید که کشور شما دیگر آسیب نخواهد دید. یک کشوری وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی تفاوت باشد راجع به آسیب‌ها<sup>۲</sup> بدین‌گونه از منظر حضرت امام (ره)، آزادی واقعی مطبوعات در کشور ما آنگاه جنبه عینی و واقعی به خود می‌گیرد که از حالت آسیب‌زایی به‌درآمده و با هدف روشنگری اذهان مخاطبان از رهگذر اطلاع‌رسانی بیطرفانه و نقد و انتقاد سالم از روند امور، درصدد تحمیل باورهای خود بر افکار عمومی نباشند و به تعبیر هارولد لاسول انگیزه‌های خصوصی و شخصی را به حیطه مسائل عمومی منتقل نمایند و به چنین عملی تحت عنوان مصالح عمومی و ملی، صورت حق به‌جانب و عقلانی ندهند و در یک کلام، خود را در قبال جامعه مسؤؤل - و نه قیّم - احساس کنند؛ که البته تحقق چنین امری در عالم واقع - به تعبیر امام (ره) - بسی مشکل و دشوار است: «در هر صورت مجله نویسی آسان است، اما مجله صحیح نوشتن مشکل است»<sup>۳</sup> اما فقط در صورت عینیت یافتن آن است که رؤیای آزادی واقعی مطبوعات، به حقیقت می‌پیوندد: «روزنامه‌هایی که مضرّ به حال ملت نباشند و روزنامه‌هایی که نوشته‌شان گمراه‌کننده نباشد، آزادند»<sup>۴</sup>.

امروز نیز شاخص اساسی توسعه، میزان دانایی و دانشی است که در جامعه تولید می‌شود و از این رو جامعه نوین، جامعه دانش لقب گرفته است که در آن مسأله تولید و توزیع و استفاده از اطلاعات از اهم مسائل محسوب می‌شود. شاخص‌های درآمد سرانه یا تولید ناخالص ملی، دیگر به تنهایی نمی‌تواند شاخص معنی‌داری برای توسعه به‌شمار آید و امروزه این شاخص‌های تلفیقی‌اند که میزان توسعه‌یافتگی جامعه را نشان می‌دهند؛ در شاخص‌های تلفیقی عامل اطلاعات جایگاه ویژه و برتر را به خود اختصاص داده است.<sup>۶</sup>

از سوی دیگر پیشرفت جامعه امروز موجب تکثر عناصر و عوامل فعال در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع شده است که نتیجه طبیعی آن پیچیدگی روابط میان آنهاست. هر یک از اجزای تشکیل‌دهنده ساختار جامعه با دامنه وسیعی از روابط مواجه است. بنابراین در چنین جامعه‌ای وسایل برقرارکننده این ارتباطات باید متنوع و دارای قابلیت بالایی در ارائه خدمات اطلاع‌رسانی باشند. از این زاویه نگرشی، مطبوعات از جایگاه مهمی برخوردارند. بدیهی است اهمیت و نقش برتر مطبوعات در عرصه اجتماع ناشی از کارکردها و نتایجی است که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از خود برجای می‌گذارند. در این حال سیاستگذاران اطلاعاتی نیز باید زمینه را برای توسعه نظام اطلاعاتی و ارتباطی فراهم سازند و نویسندگان مطبوعات و خبرنگاران و مدیران جراید هم مسئولیت‌های تازه‌ای را برعهده گیرند تا بتوانند در شرایط توسعه نظام ارتباطی، افکار عمومی را در جهت مطلوب هدایت کنند.

از این مطلب نیز نباید غافل ماند که در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، مطبوعات دچار تنگناها و دشواریهایی هستند که در عمل آنها را از ایفای نقش مؤثر در نظام ارتباطی نوین و در نتیجه در مسیر توسعه ملی کشور باز می‌دارد و کارکرد آنها را در روند رشد و توسعه ملی کم‌اهمیت می‌نمایاند. مطبوعات ایران از آغاز پیدایش تا امروز دوره‌های بسیار متفاوت و گاه متعارضی را پشت سر گذاشته‌اند؛ ایامی را هر چند کوتاه در آزادی

مطلق سپری کرده و روزهای دراز و تیره‌ای را زیر بدترین و شدیدترین فشارها و اختناق‌ها به سر آورده‌اند، اما بی‌شک آنچه اکنون به‌عنوان حقوق و آزادی مطبوعات به‌گونه‌ای انکار ناشدنی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد، حاصل سالها تجربه یکایک مطبوعاتی است که نیک و بد این گذشته نه چندان دور را نیز چشیده‌اند.

با عنایت به این تاریخچه و نیز نحوه کارکرد مطبوعات می‌توان از سه الگوی حاکم بر نظام مطبوعاتی ایران یاد کرد که الگوهای دیگر به‌طور عمده از این سه منتج شده‌اند: الگوی اقتدارگرایی اجتماعی، آزادی‌گرایی اجتماعی، و مسؤولیت‌گرایی اجتماعی.<sup>۷</sup>

۱- الگوی اقتدارگرا: اگر به سیر مطبوعات در ایران توجه کنیم، به دلیل نوع رابطه خاص حاکم بر مناسبات ملت و دولت، الگوی اول تا پیش از انقلاب اسلامی را در عرصه مطبوعات می‌توان ملاحظه نمود. در جامعه سنتی ایران، دولت از جامعه جدا بود و نه فقط در رأس، بلکه در فوق آن قرار داشت؛ در نتیجه - در تحلیل نهایی - دولت پایگاه و نقطه اتکای مداومی در درون اجتماع نمی‌داشته و به همین دلیل نیز از نظر طبقات مردم مشروعیت سیاسی نداشته و منافع آنها را نمایندگی نمی‌کرده است. از این‌رو، نظام سیاسی برای تداوم حاکمیت و اعمال قدرت خود، خودسرانه حکم می‌راند. در چنین فضایی که هیچ‌گونه حق و آزادی (جز به‌عنوان امتیازی که دولت هر وقت خواست می‌دهد و هر وقت خواست پس می‌گیرد) وجود نداشت، مسلماً هیچ احساس وظیفه و مسؤولیتی نیز ایجاد نمی‌شد و پذیرفته نمی‌گردید. در چنین اجتماعی، ملت (یعنی کل جامعه) اساساً با دولت در ستیز بود؛ یعنی حتی در زمانی که امکان عصیان و طغیان فراهم نبود، اطاعت مردم از دولت فقط مبتنی بر ضرورت و عافیت‌اندیشی (و در تحلیل

۶- محمدابراهیم انصاری لاری، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۱.

۷- علی ربیعی، در میزگرد آزادی و مطبوعات، ۷۸/۲/۱۳، ششمین جشنواره مطبوعات.

نهایی بر ترس) و نه رضایت و پذیرش درونی استوار بود.<sup>۸</sup> از این رو اساساً امکان انتشار مطبوعاتی خارج از حیطه نخبگان سیاسی حاکم فراهم نبود و این نخبگان سیاسی حاکم بودند که تصمیم به انتشار روزنامه یا نشریه‌ای می‌گرفتند. در واقع، آنان به جای مردم فکر می‌کردند، جریان‌سازی می‌کردند و هدایت فکری مردم را از این طریق به عهده می‌گرفتند.

به‌طور کلی مطبوعات در ایران تا سالهای اوجگیری انقلاب اسلامی به سمت غیرسیاسی شدن پیش می‌رفتند و نوعی روزنامه‌نگاری صنفی و حرفه‌ای در جهت حفظ منافع رژیم حاکم برقرار بود. «پس از حوادث سال ۱۳۳۲... تب روزنامه‌نگاری غیرحرفه‌ای پایین افتاد و به دنبال آن به تدریج و در پرتو شرایط تازه که اصولاً نوعی وحدت کلمه در حرکت سیاسی به وجود آورد، کاملاً احساس می‌شد که محیط جدید نیاز چندانی به تنوع و تعدد فراوان در ژورنالیسم غیرحرفه‌ای سیاسی ندارد.»<sup>۹</sup> از دهه ۴۰ شمسی به بعد تداوم این روند به وابستگی محض مطبوعات کشور منجر شد که طی آن، مطبوعات از هیچ خدمتی به دولت و حکومت پهلوی فروگذار نکردند؛ «در هیچ دهه‌ای چون سالهای ۵۳-۱۳۴۳ شمسی مطبوعات به دولت خدمت نکرده و در اشاعه نظریات و برنامه‌های آن انجام وظیفه ننموده‌اند.»<sup>۱۰</sup> از حیث مطالب و محتوا نیز مطبوعات این دوره با سرعت بیشتری مسیر ابتدال را طی می‌کردند. «در دومین دهه بعد از مرداد ۳۲، (۴۲-۵۲) مطبوعات بیشتر عامه‌پسند شد... ویژگی مطبوعات در این دهه به‌طور کلی انتشار متن کامل سخنرانی‌های مقامات دولتی از یک طرف و پا کردن در کفش زندگی خصوصی هنرمندان سینما و کاباره‌ها از طرف دیگر بوده است.»<sup>۱۱</sup>

بنابراین در مجموع روزنامه‌های پیش از انقلاب اسلامی را می‌توان مطبوعات خنثی نامید و در واقع حکومت بود که مطبوعات را وادار به خنثی عمل نمودن، می‌کرد. در دستورالعمل‌هایی که از سوی وزارت اطلاعات و جهانگردی وقت خطاب به مطبوعات صادر می‌شد به صراحت مشخص شده

بود که درباره چه مسائل و رویدادهایی نباید چیزی بنویسند. به‌عنوان مثال در تاریخ ۵۶/۱/۱۸ دستورالعملی به این شرح صادر شد: «خبر و همچنین گزارش و مطالبی درباره اینکه بوتو حکومت شریعت اسلامی را قبول کرد، کاباره‌ها، میکده‌ها و کازینوها در پاکستان تعطیل شد، در آینده ایدئولوژی اسلامی در پاکستان حکومت خواهد کرد. به هیچ وجه در خبرها، مطالب و گزارش و تفسیرهای مربوط به پاکستان نباید منعکس شود، حتی اگر از زبان خود بوتو (نخست وزیر وقت پاکستان) باشد.»<sup>۱۲</sup> با همه این سختگیریه‌ها و نیز وابستگی تام و تمام مطبوعات به دستگاه حکومتی، بازرسی مطبوعات و اعمال نظریات و سلیقه‌های مسئولان حکومتی در نحوه درج اخبار و مطالب به شدیدترین صورت ممکن ادامه داشت و حتی آنجا که لازم می‌شد همان مطبوعات وابسته را به تیغ تصفیه می‌سپردند؛ به طوری که به‌عنوان مثال در سال ۱۳۵۲ طی یک طرح، بیش از ۵۰ روزنامه و نشریه یکباره تعطیل شدند.<sup>۱۳</sup> فشار بر مطبوعات باقیمانده نیز به حدی بود که کوچکترین تخلف مطبوعاتی بی‌هیچ گذشتی مورد مؤاخذه و بازخواست قرار می‌گرفت و یا در مواردی این‌گونه تخلفات خبری به دستگاه اطلاعات و امنیت کشور احاله می‌شد، که ناگفته پیداست چه سرانجام ناگواری در انتظار متخلف بوده است. این روال همچنان تا آخرین سالهای حکومت پهلوی ادامه داشت و تنها جرقه‌های آغازین انقلاب اسلامی بود که در سال ۵۶ فضای آزادی را برای مطبوعات فراهم کرد.

۸- محمدعلی همایون کاتوزیان، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی؛ نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۴.

۹- مسعود برزین، سیری در مطبوعات ایران، انتشارات آژنگ، ۱۳۵۴، تهران، ص ۱۳۶.

۱۰- برزین، همان، ص ۳. ۱۱- همان، ص ۱۵.

۱۲- مهدی حسینیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، به نقل از مجایی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۱.

۱۳- لاری انصاری، همان، ص ۱۰۶.



مطبوعات ایران از آغاز پیدایش تا امروز دوره‌های بسیار متفاوت و گاه متعارضی را پشت سر گذاشته‌اند؛ ایامی را هر چند کوتاه در آزادی مطلق سپری کرده و روزهای دراز و تیره‌ای را زیر بدترین و شدیدترین فشارها و اختناق‌ها به سر آورده‌اند، اما بی‌شک آنچه اکنون به‌عنوان حقوق و آزادی مطبوعات به گونه‌ای انکار ناشدنی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد، حاصل سالها تجربه یکایک مطبوعاتی است که نیک و بد این گذشته نه چندان دور را نیز چشیده‌اند.



آزادی مطبوعات در این مقطع و سپس بعد از پیروزی انقلاب، به دور از آفت و انحراف نبود؛ چه آنکه حدود یک قرن و نیم مطبوعات زیر تفتیش، فرزندانانی داشت که هرگز نیاموخته بودند چگونه در شرایط آزاد و بدون فشار عمل کنند و شاید به همین علت است که هرگاه شرایط آزادی مطبوعات در کشور به نحوی فراهم آمده حاصل آن تولد مطبوعات فحاش و هتاکی بوده که به هیچ ملاک و معیاری پایبندی نداشته‌اند. آزادی صدر مشروطه، آزادی پس از شهریور ۱۳۲۰ و آزادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همه زمینه‌ای شدند تا در کنار مطبوعات مسؤول و موقع شناس، مطبوعات لاقید و بی‌بند و بار یکی پس از دیگری تأسیس شده و عملکردی به کلی غیر مسؤولانه داشته باشند. در تحلیل این فرآیند تلخ، شاید بتوان چنین گفت که انتقاد سالم، انتقاد بدون فحاشی و بدون هتاکی، انتقاد مستدل و آگاه‌کننده و ایفای نقش مسؤولانه مطبوعات نیز به تخصص و تجربه و آگاهی و تواناییهای فکری مختلفی نیاز دارد که برای جامعه مطبوعات کشور ما، چنین فرصتی حداقل به صورت مستمر و مؤثر

۲- الگوی آزادی‌خواه: در تابستان سال ۵۶ و پیش از فراگیر شدن نهضت اسلامی مردم ایران - که در واقع از دی ماه ۱۳۵۶ با قیام مردم قم آغاز شد - چهل تن از نویسندگان با امضای نامه‌ای خطاب به شاه و نخست‌وزیر ضمن اعتراض به شکنجه، لزوم لغو بازبینی و تفتیش مطبوعات و ایجاد فضای باز سیاسی را درخواست کرده بودند. طی ماههای نخست سال ۱۳۵۷ نیز متجاوز از دویست و پنجاه تن دیگر از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نامه دیگری برای اعطای آزادی بیشتر خطاب به دولت وقت ارسال داشتند که دستاویزی برای اعمال فشار تازه‌ای بر مطبوعات و اعضای تحریریه آنها از طرف دولت شد، اما در آبان ماه همان سال، ناگهان اعضای تحریریه روزنامه آیندگان به علت اعتراض به وجود تفتیش و بازبینی داخلی دولت «از هاری» دست از کار کشیدند و با نشر اعلامیه‌ای رسماً اعلام اعتصاب کردند. به دنبال سقوط دولت از هاری، بیانیه سندیکای نویسندگان و خبرنگاران، پیروزی اعتصاب را اعلام کرد. امام خمینی<sup>(ره)</sup> نیز طی تلگرامی از پاریس از اعتصابیون تشکر کردند و از آنها خواستند به کار خود ادامه دهند؛ از این پس روزنامه‌ها در کمال آزادی به نشر مطالب پرداختند و با اقبال کم‌نظیر مردم مواجه شدند تا جایی که شمارگان نسخه‌های چند روزنامه از مرز یک میلیون نسخه گذشت.<sup>۱۴</sup>

۱۴- تیراژ روزنامه کیهان به یک میلیون و صد و پنجاه هزار نسخه، روزنامه اطلاعات به یک میلیون و هزار نسخه و روزنامه آیندگان به مرز ۶۰۰ هزار نسخه رسید.

از سوی دیگر پیشرفت جامعه امروز موجب تکثر عناصر و عوامل فعال در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع شده است که نتیجه طبیعی آن پیچیدگی روابط میان آنهاست. هر یک از اجزای تشکیل دهنده ساختار جامعه با دامنه وسیعی از روابط مواجه است. بنابراین در چنین جامعه‌ای وسایل برقرارکننده این ارتباطات باید متنوع و دارای قابلیت بالایی در ارائه خدمات اطلاع‌رسانی باشند.

همچنان ادامه داشت. البته این آرامش به معنای فروکش کردن تب انتشار نشریه در کشور نبود، چنانکه فقط تا پایان فروردین ۱۳۵۹ بیش از هشتصد تقاضای انتشار در وزارت فرهنگ و ارشاد منتظر پاسخ نهایی بودند و مسؤولان این وزارتخانه پیش‌بینی می‌کردند این رقم تا پایان همان سال به دو هزار تقاضا بالغ گردد؛ همچنین تا پایان (نیمه اول) سال ۱۳۶۴ بیش از یکهزار و پانصد نشریه در انتظار گرفتن امتیاز و مجوز انتشار بودند.<sup>۱۶</sup>

پایان جنگ تحمیلی و تحول در فضای سیاسی- فرهنگی کشور از یک سو و برنامه‌ریزی‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بویژه تأسیس معاونت مطبوعاتی در این وزارتخانه از طرف دیگر باعث شد تا مطبوعات کشور از اواسط سال ۶۸ وارد فضای تازه‌ای شوند و تحرک و پویایی جدیدی را آغاز کنند.

۳- الگوی مسؤولیت اجتماعی: با استقرار تدریجی نهادهای قانونی در نظام جمهوری اسلامی و تصویب قانون مطبوعات و اعمال نوعی ضابطه بر مطبوعات کشور - چنانکه پیشتر هم آمد - دوره دوم مطبوعات پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز گردید. در این دوره میزان مطالب مذهبی در نشریات کشور و نیز شمار مطبوعات با گرایش اسلامی و مذهبی در کشور به شدت رو به فزونی نهاد. با اینکه مطالب سیاسی - اجتماعی اهمیت خود را از دست نداد، اما به تدریج در مرتبه دوم و بعدی قرار گرفت، به‌اضافه اینکه مطالب سیاسی و اجتماعی نیز تنوع و طراوت کافی نداشت.

هرگز تا آن زمان به‌وجود نیامده بود. محتوای عمومی مطبوعات دوره پس از پیروزی انقلاب، بزرگنمایی اخباری بود که نقل آنها به نوعی با منافع گروهی و حزبی آنها مرتبط بود و به کمبودها و ضعف‌های اقتصادی، اجتماعی و هتک حرمت و حیثیت افراد و اشخاص سرشناس سیاسی و مسؤولان انقلاب و حکومت اشاره می‌کرد.<sup>۱۵</sup>

به این ترتیب از مجموع دوست نشریه‌ای که در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون مطبوعات از سوی شورای انقلاب (۲۰ مرداد ۵۸) منتشر می‌شد، اغلب آنها به‌صورت زبان احزاب در سراسر کشور بویژه در کانونهای التهاب سیاسی مانند کردستان، اهواز، تهران، بلوچستان و شمال (ترکمن صحرا) صرفاً به تأکید بر نقاط ضعف و نارسایی‌های موجود می‌پرداختند و عملاً رسالت مطبوعاتی خود را در آن خلاصه می‌کردند. با تصویب قانون مطبوعات و اجرای نسبی آن، هرج و مرج‌ها و تشتت سیاسی - فرهنگی که از جانب مطبوعات ایجاد یا دامن زده می‌شد، به تدریج از میان رفت. نخست، نشریاتی که به‌صورت غیرقانونی منتشر می‌شدند یا نشریاتی که به‌طور علنی به ناآرامی‌های جامعه دامن می‌زدند، حذف شدند و در وهله بعد، روزنامه‌ها و مجلاتی که دارای گرایش‌های غیرمذهبی و از نظر سیاسی نیز طالب آزادیهای بی‌حد و حصر بودند و سرانجام در مرحله سوم و نهایی، کلیه نشریاتی که به‌رغم موافقت ظاهری با انقلاب اسلامی، دارای گرایش‌های چپ بودند از عرصه مطبوعات کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب نوعی آرامش و یکنواختی در جامعه مطبوعات کشور پدید آمد که این روند تا ماهها پس از خاتمه جنگ تحمیلی نیز

۱۵- لاری انصاری، همان، ص ۱۱۶.

۱۶- منصور حسین‌زاده، مطبوعات ما بر کدام سکو ایستاده‌اند؟

کیهان سال ۱۳۶۴، بخش فرهنگ و ادبیات، ص ۳۰.